

مبانی قرآنی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی

محمد صادق حمیدزاده* / حسن ملکی** / سعید بهشتی***
(۷۳-۴۹)

چکیده

تربیت سیاسی در جامعه دینی ایران، همواره مستلزم توجه کیفی به مبانی قرآنی بوده است؛ اما در فضای دینی معاصر، به ابعاد وابستگی برنامه‌درسی تربیت سیاسی به معرفت‌شناسی دین‌مدارانه توجه جدی نشده است (مسئله)؛ و نیز، این موضوع، در عرصه علمی، مورد بررسی موشکافانه قرار نگرفته است؛ از این رو و در این راستا، با پرسش "مبانی قرآنی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی کدام است؟ (سؤال) مواجه‌ایم. گمانه مقاله آن است که: وجود ظرفیت و اختصاص معرفت‌شناسی قرآن‌کریم به حوزه تربیت سیاسی انسان، در صورت شناخت و شیوه کارآمد تحصیل آن می‌تواند به برنامه‌ریزان درسی کمک کند تا مسیر تصمیمات خود را برای تربیت سیاسی بر مبانی و شناخت حقیقی استوار نمایند (فرضیه). از این رو مقاله پیش رو، به قصد "تبیین مبانی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی برای تربیت سیاسی" (هدف) به شیوه

*. دکترای برنامه‌درسی دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس ارشد علوم سیاسی (نویسنده مسئول) - hamedzade@gmail.com

** استاد گروه برنامه‌درسی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی - maleki@atu.ac.ir

*** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی - beheshti@atu.ac.ir

کیفی (تحلیلی و استنتاجی) مبتنی بر قرآن پژوهی (روش) تدوین یافت. در فرآیند پاسخ‌گویی به مسئله یاد شده، با اتکا به آموزه‌های قرآنی، نتایج شامل: استخراج ابعاد مضامین، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مبانی معرفت‌شناسی، آثار و دلالت‌های راهبردی آن برای کیفیت بخشی به تصمیمات برنامه‌ریزان و کارشناسان برای تربیت سیاسی ارایه گردید (یافته).

واژگان کلیدی: قرآن، ایران، مبانی، معرفت‌شناسی، برنامه‌درسی و تربیت سیاسی

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در حوزه تربیت سیاسی، ارتباط تنگاتنگ نوع تربیت سیاسی با ایدئولوژی و بنیان‌های نظری است؛ زیرا هر مکتب سیاسی، بر اساس اصول و مبانی معرفتی خود هدف‌گذاری می‌کند. به همین منظور، به لحاظ جنبه نظری و تدوین مبانی تربیت سیاسی، باید معرفت‌شناسی متناسب فراهم شود تا فرایند نظام آموزشی تربیت سیاسی، بر مبانی، اصول و روش‌هایی متکی گردد که با اهداف تربیت سیاسی در اسلام و مطالبات انقلاب اسلامی و رهبری آن سازگار باشد. از سوی دیگر، کشور ما نیز به دلیل ظهور انقلاب اسلامی، با حساسیت بیشتری این هدف و انتظار را پی می‌جوید و بسیاری از اندیشمندان و رهبران دینی و اجتماعی، آینده را از روزنه اصلاح سیاسی و اجتماعی جامعه می‌نگرند. بنابراین، یکی از منابع اصلی تضمین برای هدایت درست فعالیت‌های جاری در قلمرو تربیت سیاسی، چهارچوب فکری است که از آن به «فلسفه یا مبانی تعلیم و تربیت» یاد می‌شود. از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین تصمیمات در حوزه عناصر برنامه‌درسی، از جمله اهداف، محتوا، نوع سازمان‌دهی، روش‌های یاددهی، یادگیری و ارزشیابی، همه مبتنی بر مبانی‌اند؛ لکن کدام مبانی؟

اکنون پرسش این است که آیا می‌توان بدون لحاظ مفروضات یا مبانی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، برنامه‌درسی تربیت سیاسی داشت؟ این پرسش هنگامی جدی‌تر می‌شود که می‌بینیم مریبان و اندیشمندان فلسفه تعلیم و تربیت در حوزه برنامه‌درسی آکادمیک در بخش رسمی و عمومی در جهان، نزدیک به یک‌صد سال با یکدیگر بر روی اینکه مبانی و ماهیت برنامه‌درسی چه باشد، نزاع نموده‌اند. (Schiro, 2008:12) اساس این نزاع، بر دیدگاه‌هایی درباره‌ی اینکه برنامه‌درسی تعلیم و تربیت چگونه باشد، استوار است. این دیدگاه‌ها بر ایدئولوژی‌ها یا فلسفه‌ی تعلیم

و تربیت خاص خود مبتنی است، از این رو، مبانی علوم انسانی به‌ویژه تعلیم و تربیت، در ده سال اخیر کانون توجه رهبر انقلاب اسلامی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت کشور قرار گرفته است. به بیانی روشن‌تر، رهبر انقلاب اسلامی در این رابطه نیز تصریح فرموده‌اند که: «علوم انسانی ما بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. مبنا باید مبنای قرآنی باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲۸). همچنین اشاره‌ی معظم‌له بر اینکه تقویت مبانی معرفتی را جدی بگیرید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۶/۱۴)، تأکیدی دیگر بر موضوع تحول علوم و تعلیم و تربیت بر اساس مبانی اسلامی است.

مدیران و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت، در نخستین مواجهه خود با این دغدغه، راه تغییر و بازتدوین کتاب‌های درسی به روش صورت‌گرایانه را در پیش گرفتند؛ مبنی بر اینکه اگر کتاب‌های درسی، مشحون از آیات و روایات متناسب با درس، موردنظر گردد، گامی اساسی در اسلامی کردن تعلیم و تربیت و نیز تربیت سیاسی برداشته شده است (باقری، ۱۳۸۹: ۶)؛ اما با نقادی و دقت برخی از اساتید و کارشناسان نسبت به این روند، رویکردها و پرسش‌هایی جدید و جدی در خصوص تحول تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی مطرح شد و پیرو آن، کوشش‌هایی برای تبیین مبانی فلسفی برنامه‌درسی با رویکرد دینی و بومی به ظهور رسید؛ از جمله آنها می‌توان به آثار خسرو باقری، سعید بهشتی، حسن ملکی، علی‌محمد کاردان، عیسی ابراهیم‌زاده، جمیله علم‌الهدی، فاطمه زیباکلام، مؤسسه پژوهشی امام خمینی^ع و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اشاره کرد. ثمره این تلاش‌ها، تدوین سند ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشت؛ لکن با گذشت زمان کوتاه و نقد این تلاش‌ها در برخی از محافل علمی و سمینارهای مربوط، این حرکت نیز ناکافی ارزیابی گردید (فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی، ۱۳۸۹: ۸، ۳۲، ۶۲، ۸۹ و ۱۶۵).

بنا بر مسئله یادشده (فقدان یک معرفت‌شناسی نظام‌مند و بومی برای تربیت سیاسی)، دغدغه اصلی این پژوهش، همگامی نظام تعلیم و تربیت علوم سیاسی با مطالبات انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن و انتظارات جامعه و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، به وسیله ارائه مبانی معرفت‌شناسی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم است. لازم به یادآوری است که گرچه نتایج این پژوهش به‌صراحت معطوف به مبانی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی در مدارس است، لکن مضامین آن به این سطح از آموزش اختصاص ندارد و محدود به آن نیست و می‌توان آن را به عنوان یک رویکرد برای آموزش عالی و علوم سیاسی نیز برگزید.

تعریف مفاهیم

اینک به نظر می‌رسد با توجه به عنوان پژوهش و مباحث پیشین، می‌توان تعریف عملیاتی برای مفاهیم زیر ارائه کرد:

۱. **مبانی^۱**: مبانی، دربارهٔ هستی و موقعیت آدمی در جهان هستی، وضعیت مطلوب زندگی انسان و غایت آن، سرمایه‌ها، امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، ضعف‌ها و محدودیت‌ها، و نیز قوانین و سنت‌ها، ضرورت‌ها و شرایطی بحث می‌کند که حیات انسان و نحوهٔ تحول در آن را همواره تحت تأثیر قرار داده، تصویری از زندگی انسان و نحوهٔ تحول آن به دست می‌دهد که بر اساس آن، همهٔ گزاره‌های تجویزی شکل می‌گیرند (شکوهی، ۱۳۷۳: ۵۳). مبانی را شامل پایه‌ها و شالوده‌هایی می‌داند که تأثیرگذار، پرتوافکن و حاکم بر اتخاذ اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت (عناصر اصلی برنامهٔ درسی) است. قوت و ضعف هر مکتب و فلسفهٔ تربیتی، وابسته به آن است (ملکی، ۱۳۸۸: ۲۵). علامه محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان چنین آورده است که مبانی تربیت، از ساختار و موقعیت ویژهٔ انسان و امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های او، و نیز از ضرورت‌های آفرینش و وجودی انسان که حیات او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۳۹۱). بنابراین، به آنچه موجب پیدایش ساختار و پایه‌های هر چیزی می‌گردد، «مبانی» گفته می‌شود و بدین جهت، بنیادهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی - که تعلیم و تربیت بر آنها استوار است - مبانی تربیت خوانده می‌شود؛ لکن در این پژوهش، مبانی برنامهٔ درسی تعلیم و تربیت عبارت است از یک موضع‌گیری اساسی دربارهٔ ابعاد^۲ گوناگون نظری و عملی در حوزهٔ تعلیم و تربیت، شامل آرمان‌ها و اهداف تربیتی، تلقی از یادگیرنده، تلقی از فرایند یاددهی و یادگیری، تلقی از محیط یادگیری، تلقی از نقش معلم، و تلقی از ارزشیابی آموخته‌ها، که ماهیتی توصیفی دارند؛ لکن ناظر بر هست‌ها (واقعیت‌ها و حقیقت‌ها) است و نقش مستندات و حتی محتوایی (از بعد اهداف) و سرانجام معیار سنجش برنامهٔ درسی تولید و اجرا شده را ایفا می‌کند.^۳

۲. **معرفت‌شناسی^۴**: منظور از معرفت‌شناسی، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی

1. Foundation.

۲. ابعاد، شامل تعیین حدود یک مفهوم است.

۳. این تعریف، از نویسندهٔ مسئول است.

4. Epistemology.

درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است، که از يك سو با انسان‌شناسی^۱ و از سوی دیگر با هستی‌شناسی^۲ و ارزش‌شناسی^۳ مرتبط می‌شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷: ۹۸). معرفت‌شناسی، گزاره‌هایی توصیفی یا اخباری است که محمول‌های خاصی را برای موضوع اصلی این گزاره‌ها، یعنی امکان و میزان شناخت انسان، اثبات می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۲۰). لکن در این پژوهش، علمی است که به بررسی انواع شناخت انسان، چگونگی پیدایش شناخت، و ارزش و اعتبار آن می‌پردازد؛ بنابراین، گزاره‌های توصیفی و تبیینی معرفت‌شناسی، از یک سو با انسان‌شناسی، و از سوی دیگر با هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مرتبط‌اند.^۴

۳. برنامه‌درسی^۵: برنامه‌درسی، فرایند مفهومی کردن پدیده‌های مربوط به انسان و جهان در قالبی موزون، به منظور آسان‌سازی آموزش است (عباس‌زادگان، ۱۳۷۶: ۳۷)؛ و به اعتبار دیگر، برنامه‌درسی عبارت است از مجموعه تصمیماتی که توسط مسئولان تعلیم و تربیت درباره این پرسش‌ها گرفته می‌شود: الف) دانش‌آموز چه چیزی را باید یاد بگیرد؟ ب) چقدر باید یاد بگیرد؟ پ) با چه روشی باید یاد بگیرد؟ ت) چگونه بفهمیم که دانش‌آموز چقدر یاد گرفته و در روند یادگیری چه مشکلاتی داشته است؟ (مهرمحمدی، ۱۳۸۲: ۴۹). در این پژوهش، مقصود از برنامه‌درسی، طرح و نقشه منسجم برای تعلیم و تربیت یادگیرنده و یاددهنده در حوزه نیازهای عمومی (نگرش‌ها و مهارت‌های زندگی سالم) است. همچنین روش آموزش و ارزیابی آن نیز مدنظر است.^۶

۴. تربیت سیاسی^۷: با توجه به اختلاف در اهداف تربیت سیاسی، تعاریف متفاوتی نیز از تربیت سیاسی ارائه شده است. در يك نگاه اجمالی می‌توان گفت: تربیت سیاسی، پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی، و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰)؛ و اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد يك هم‌بستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود، و تربیت شهروندان جهانی، از جمله اهدافی است که برای تربیت

1. Anthropology.

2. Ontology.

3. Axiology.

۴. این تعریف از نویسنده مسئول است.

5. Curriculum.

۶. این تعریف از نویسنده مسئول است.

7. Policy training.

سیاسی ذکر کرده‌اند (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰)؛ و از آنجا که انسان دارای سه نیروی عقل، دل و جسم است، تربیت سیاسی در سه محور اصلی تقسیم می‌شود: ۱. تربیت در حوزه بینش‌های سیاسی؛ ۲. تربیت در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی؛ ۳. تربیت در حوزه مهارت‌ها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی. بر این اساس، تربیت سیاسی یعنی رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای حضور زنده و فعال شهروند مسلمان در عرصه‌های سیاسی ملی و جهانی (قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۵). تربیت سیاسی یعنی پرورش و شکوفاسازی استعدادهایی که به بعد سیاسی انسان و ویژگی عمومی او، یعنی قدرت، مربوط است؛ تا از این راه، مترّبی ضمن فهم روابط قدرت و پیچیدگی نظام‌های سیاسی در درون شبکه گسترده قدرت، آگاهانه و فعال عمل نماید (بهشتی و مسعودیان، ۱۳۹۱: ۷-۲۵). از این رو، یکی از نکات مهم در مقوله تربیت سیاسی، ارتباط تنگاتنگ نوع تربیت سیاسی با ایدئولوژی و بنیان‌های نظری خاص است. هر مکتب سیاسی، بر اساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌های ویژه‌ای را دنبال می‌کند. به همین منظور، به لحاظ جنبه نظری و تدوین الگوی تربیت سیاسی، باید ساختاری منطقی برای این امر فراهم شود تا فرایند تربیت سیاسی نظام آموزشی، بر مبانی و اصول و روش‌هایی متکی گردد که با اهداف تربیت سیاسی سازگار باشد. تربیت سیاسی در این پژوهش، عبارت است از رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای حضور مطلوب و مؤثر شهروند مسلمان، از جمله دانش‌آموزان، در عرصه‌های سیاسی، ملی و جهانی.^۱

۵. آموزه‌های قرآن کریم^۲: مفهوم «آموزه» در فرهنگ لغت فارسی معین و دهخدا، شامل درس و یک واحد آموزش است. به تعبیر دیگر، تعالیم یا آموزه‌های دینی، به همه آموخته‌هایی اطلاق می‌شود که با توجه به محتوا و کارکردهای آن، به سه دسته اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم می‌شود (فیض، ۱۳۷۳: ۱۳). مقصود از آموزه‌های قرآن کریم در این پژوهش، شامل کلیه پیام‌های ظاهری و باطنی، و مستقیم و غیرمستقیم است که از مفاهیم، گزاره‌ها، آیات و سوره‌ها و روح حاکم بر آنها (سیاق کلمات، آیات و سوره) از طریق ترجمه، توصیف، تبیین، تحلیل و ترکیب، تطبیق و تفسیر به دست می‌آید.^۳

۱. این تعریف از نویسنده مسئول است.

2. Quranic doctrines.

۳. این تعریف از نویسنده مسئول است.

یافته‌های تحقیق

این مطالعه، یک «پژوهش کیفی» (تحلیلی و استنتاجی) است مبتنی بر «قرآن‌پژوهی»؛ از این رو برای گردآوری داده‌های کیفی در خصوص تبیین مبانی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی، از روش قرآن‌پژوهی استفاده شده است؛ و برای استخراج دلالت‌های راهبردی، از روش «استنتاج منطقی» استفاده گردید. به علاوه، برای اعتباربخشی یافته‌های پژوهش (قرآن‌پژوهی)، از تفسیر موضوعی معرفت‌شناسی، علامه جوادی آملی نیز بهره برده است. بدیهی است که به دلیل قرار گرفتن قرآن به عنوان منبع اصلی مطالعه این پژوهش، روش قرآن‌پژوهی را برگزیدیم. بنابراین، در این پژوهش برای فهم پیام آیات قرآن کریم و جمع‌آوری داده‌های قرآن‌پژوهی مربوط به موضوع معرفت‌شناسی، مراحل زیر طی شد:

۱. مطالعه استقرایی (از نظر معنای ظاهری واژه‌ها) کلمات آیات؛
۲. مطالعه استقرایی (از نظر ترجمه ظاهری) تمام آیات؛
۳. تحلیل و تفسیر کلمات و آیات بر حسب مفاهیم مترادف، متضاد و روابط هم‌نشینی در موضوع معرفت‌شناسی؛

۴. تحلیل و تفسیر کلمات و آیات بر حسب شبکه معنایی در موضوع معرفت‌شناسی.

در مرحله اول برای مطالعه استقرایی واژگان، فعالیت‌های زیر صورت گرفت:

۱. تحلیل واژه‌های معادل و مترادف با مفهوم معرفت‌شناسی، مانند: عِلْمٌ، تَدَكَّرٌ، اُنْظَرُوا، آیه و...؛
۲. تحلیل واژه‌های متضاد با مفهوم معرفت‌شناسی، مانند: لَا يُبْصِرُونَ، مُرِيبٌ، عَمِينَ و...؛
۳. بررسی و مطالعه داده‌های واژه‌های راهنما؛

۴. استخراج مضمون^۱ و جوانب گوناگون موضوع (معرفت‌شناسی) از داده‌های واژه‌های راهنما؛

۵. سازمان‌دهی و طبقه‌بندی نتایج داده‌های متناسب با پرسش‌های پژوهش.

در مرحله دوم، برای جمع‌آوری داده‌های قرآن (در سطحی عمیق) در زمینه معرفت‌شناسی، موضوع مورد نظر، در بافت^۲ یا سیاق آیات و سوره‌هایی که در آنها به کار رفته است، با کمک واژگان راهنما (داده‌های مرحله اول) مطالعه می‌شود. بنابراین، شیوه فهم معرفت‌شناسی از آیات قرآن کریم در قالب پرسش‌های (روش قرآن‌پژوهی) زیر به دست آمده است:

۱. مضامین، محورهای کلی و اصلی تشکیل‌دهنده یک مفهوم بسیطند و هر یک از مضامین، انعکاس‌دهنده بخشی از واقعیت آن است.

2. Context.

- ویژگی‌های معرفت‌شناسی در قرآن؛
 - چرایی تشویق مستقیم به تعقل و معرفت‌ورزی در قرآن؛
 - چرایی نهی از پیروی هوای نفس و... در شناسایی حق و واقعیت‌های عمیق و ایمانی؛
 - چرایی ذکر رویدادهای مهم معرفتی افراد و گروه‌ها در قرآن (عبرت‌آموزی)؛
 - بیان قانونمندی‌ها یا منطق حاکم بر معرفت‌شناسی در قرآن؛
- الف) یافته‌های قرآن‌پژوهی در مرحله اول (واژگان‌پژوهی): ابتدا صفات و نام‌های قرآن‌کریم و سوره‌های آن بررسی شد که ۸۶ واژه پژوهشی مرتبط (برخی مستقیم و برخی غیرمستقیم) با معرفت‌شناسی به دست آمد؛ در ادامه به واسطه واژه‌های همنشین آنها، ۱۲۰ کلیدواژه راهنما شناسایی شد؛ سپس با مطالعه دقیق آیات حاوی آنها نوع روابط تعیین، و به دنبال آن، امکان طبقه‌بندی آن نیز حاصل گردید.

جدول ۱. متغیرها و واژگان استخراج‌شده در مرحله اول قرآن‌پژوهی

ردیف	عنوان متغیر	فراوانی واژگان
۱	نام‌های قرآن کریم که مرتبط با مفهوم معرفت‌شناسی است.	۳۰
۲	صفات قرآن کریم که مرتبط با مفهوم معرفت‌شناسی است.	۳۸
۳	واژگان راهنما مرتبط با معرفت‌شناسی	۱۳۰
۴	واژگانی که به معنای مجموعه معرفت آمده است.	۲۴
۵	مبانی و اصول معرفت‌شناسی	۳۷
۶	مبدأ و منشأ معرفت	۱۱
۷	نتایج و کارکرد معرفت	۵۶
۸	ابزار کسب معرفت	۴
۹	منابع معرفت	۱۰
۱۰	روش‌های کسب معرفت	۳۸
۱۱	شکل معرفت	۲۰
۱۲	زمینه‌های مثبت کسب معرفت	۲۱
۱۳	زمینه‌های منفی کسب معرفت	۳۰

۱۴	محتوای معرفت	۵۶
۱۵	اهداف معرفت‌شناسی	۱۳
۱۶	مفهوم معرفت	۱۴
۱۷	ویژگی‌های معرفت‌شناسی	۴۵
۱۸	عناصر داخلی معرفت	۱۲

ب) یافته‌های قرآن‌پژوهی مرحله دوم: افزون بر به دست آمدن پاسخ پرسش‌های معرفت‌شناسی، مضامین مختلفی در زمینه‌های گوناگون به این شرح به دست آمد: معلوم‌شناسی، ۱۲ مضمون؛ مبانی معرفت‌شناسی، ۵ مضمون؛ منابع، عوامل و ابزارها، ۱۱ مضمون؛ زمینه‌ها و موانع، ۳۰ مضمون؛ مراتب، ۲۰ مضمون؛ منشأ و مبادی، ۶ مضمون؛ ملاک صدق و درستی، ۴ مضمون؛ روش‌های کسب، ۲۸ مضمون؛ اهداف، ۴ مضمون؛ و فرایند، ۷ مضمون. همچنین در موضوع ابعاد معرفت‌شناسی ۱۸ مضمون و ۱۵۹ مولفه، و در موضوع ارکان معرفت‌شناسی ۴ مؤلفه و ۵۷ شاخص^۱ به دست آمد.

الگوی نظری به دست آمده از قرآن‌پژوهی برای استنتاج و تبدیل نتایج معرفت‌شناسی پژوهش شده به مبانی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی:

اهداف معرفت‌شناسی قرآن‌کریم شکوفایی فطرت اجتماعی (نیاز پایدار) اهداف و نیازسنجی برنامه‌درسی تربیت سیاسی

جدول ۲. ابعاد معرفت براساس داده‌های قرآن‌پژوهی

ردیف	الف) بُعد گرایشی	مستندات
۱	سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ سپس پلیدکاری و پرهیزکاری (خواسته‌های خوب و بد) را به او الهام نمود.	شمس: ۷-۸
۲	پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن؛ با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.	روم: ۳۰

۱. شاخص‌ها نشانه‌های عینی قابل شناسایی و قابل اندازه‌گیری مؤلفه‌های مفهوم‌اند.

۳	[حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>]: من چیزی را می‌پرستم که بر آن [اساس یا فطرت] آفریده شده‌ام.	زخرف: ۲۷
(ب) بُعد بینشی		
۱	این قرآن، بینشی است از سوی پرورگار شما؛ و برای گروهی که ایمان می‌آورند، هدایت و رحمت است.	اعراف: ۲۰۳
۲	[حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>]: آن را [یکتاپرستی] در پی خود، سخنی جاویدان کرد؛ باشد که آنان به توحید بازگردند.	زخرف: ۲۸
(ج) بُعد کنشی و عملی		
۱	او [خدا] شما را می‌آزماید تا روشن شود [برای شما] که کدام یک نیکوکارترید.	هود: ۷
۲	بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه گردانیم؟	کهف: ۱۰۳

تبیین جدول شماره ۲. ماهیت و ابعاد (نحوه شکل‌گیری) معرفت بر اساس داده‌های قرآن پژوهی در قرآن کریم، معرفت‌شناسی با همه ابعاد مورد توجه قرار گرفته است؛ البته با حفظ وحدت و یک‌پارچگی آن؛ چنان‌که در فرازی از مکتوبات علامه جوادی آملی آمده است:

صدر و ساقه این گونه از دانش‌ها [معرفت‌شناسی] را بینش الهی، گرایش الهی و منش الهی تشکیل می‌دهد؛ مثلاً نفت یا گاز را به عنوان خلقت، موضوع علم قرار دادن، مستلزم آن است که مبدأ فاعلی آن ملحوظ گردد که چه موجودی نفت را آفرید و آن را می‌پرواند و برای چه هدف آفرید و تدبیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۷).

۱- ارتباط گرایش‌ها با بینش‌ها

گرایش‌های فطری (نیازهای بنیادی) انسان، محرک و نقطه حرکت معرفت‌شناسی حقیقی اوست؛ زیرا انسان برای رفع یا اشباع نیازهای بنیادی (فطری) خود، نیازمند به معرفت و بینش است. از این رو، کنش معرفت‌شناسی، با دو متغیر گرایش (حوزه نیاز و تحریک) و بینش (حوزه ذهن)، تعیین می‌شود و عمل می‌کند؛ که وجه اول آن مقدم و متبوع، و وجه دوم آن مؤخر و تابع است؛ و وجه سوم آن، محصول تعامل وجه اول و دوم، یعنی کنش معرفتی خواهد بود.

۲- ارتباط بین اراده و آزادی انسان با کنش معرفتی او

انسان موجودی تک‌ساحتی نیست؛ بلکه موجودی است پیچیده و انبوهی از نیازهای اولیه و ثابت (فطری)، و ثانویه و ناپایدار (شرایط محیطی و مادی) او را احاطه کرده‌اند و کنش‌های او تحت تأثیر این نیازها قرار دارد؛ از این رو، ضرورت یافتن یک کنش معرفتی در شرایطی خاص، نتیجه اولویت‌دهی به نیاز پایه و محرک آن کنش است که در واقع مبتنی بر «اراده» و «اختیار» انسان خواهد بود؛ هرچند عامل «اراده»، خود تحت تأثیر عوامل «نظام معرفتی» و «ارزشی» از یک سو، و عوامل «زیستی - روانی» (طبع) و «اجتماعی - فرهنگی» (عادت) از سوی دیگر قرار دارد. از این رو، تربیت (تقوا، ایمان و...)، هم می‌تواند بر معرفت‌شناسی او تأثیرگذار باشد و هم از آن تأثیرپذیر. بنابراین، معرفت‌شناسی در قرآن کریم، شامل فعالیتی (کنشی) است مبتنی بر زیرساخت‌های بینشی، گرایشی و ارادی (تلاش آزادانه برای رفع موانع و ایجاد زمینه‌های معرفت‌شناسی)؛ بر این اساس، معرفت‌شناسی یاد شده از حاکمیت مطلق محیطی، ارگانستی و خودکار، مانند هواپرستی و احساسات غیرمنطقی، خارج می‌گردد.

اراده و آزادی - که در ایمان، تقوا و عمل صالح جلوه‌گر می‌شود - در معرفت‌شناسی و حیانی، نقش برجسته و مهم دارد؛ زیرا این نوع معرفت‌شناسی، از معرفت انسان‌های غیر موحد متمایز می‌گردد. به عبارت دیگر، برای تحصیل معرفت و حیانی، لازم است:

الف) گرایشی (نیازهای فطری) در فرد به منصفه ظهور برسد؛

ب) بینشی که پاسخ نیازهای فطری (گرایش‌های معرفتی) او را فراهم آورد؛

ج) تصمیم و اراده یا اختیار آزادانه در جهت رفع موانع (مانند هوای نفس، گناه و...) و ایجاد زمینه‌های معرفت حقیقی (مانند ایمان، تقوا، عمل صالح و...) صورت گیرد؛

د) کنشی که از تعامل بین گرایش و بینش مبتنی بر اراده و اختیار آزاد در حوزه معرفت‌شناسی رُخ

خواهد داد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۵-۳۲).

جدول ۳. مؤلفه‌های معرفت‌شناسی و شاخص‌های مرتبط بر اساس داده‌های قرآن‌پژوهی
(شامل ۴ مؤلفه^۱ و ۵۷ شاخص)

ردیف	شاخص‌ها با نظر به مؤلفه معلوم (پدیده‌شناسی)	مستندات
۱	چندبعدی بودن معلوم (پیوستگی عالم غیب با عالم شهادت)	انعام: ۱۰۳؛ روم: ۷؛ یس: ۸۳؛ جاثیه: ۲۴؛ مؤمنون: ۳۷؛ ملک: ۱؛ بقره: ۱۱۵.
۲	به اعتبار وضعیت عالم و ماهیت موجودات، تشکیکی و مراتبی است.	بقره: ۲؛ حج: ۴۶؛ ابراهیم: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۹؛ نجم: ۱۱.
۳	بی‌نهایت است.	روم: ۷-۵۰؛ حجر: ۸۵؛ مؤمنون: ۳۷.
۴	مطابق با واقعیت پایدار است.	انعام: ۱۱۵؛ نور: ۲۵؛ روم: ۵۴.
۵	حقیقی بودن (مطابق با حق است).	آل عمران: ۶۰؛ انعام: ۷۳؛ یونس: ۸۲؛ ابراهیم: ۱۹؛ روم: ۸؛ لقمان: ۳۰؛ احزاب: ۴.
۶	قطعی و یقینی است (شک و انحراف در آن راه ندارد).	انعام: ۵۹؛ ابراهیم: ۱۰؛ کهف: ۱؛ سجده: ۲.
۷	مبدأ و مقصد آن خداست (حاکمیت و مدیریت خدا بر نظام هستی).	اعراف: ۵۴؛ مؤمنون: ۸۸-۱۱۵؛ هود: ۵۶؛ رعد: ۱۶؛ یس: ۸۳؛ فصلت: ۲۱؛ غافر: ۱۶.
۸	هوشمند و دارای شعور است.	نمل: ۲۲-۴۴. حج: ۱۸؛ فصلت: ۲۱؛ اسراء: ۴۴؛ رعد: ۱۳؛ نور: ۴۱؛ زلزال: ۴.
۹	هدفمند است.	یونس: ۵؛ مؤمنون: ۱۱۵؛ لقمان: ۲۰؛ ص: ۲۷؛ زخرف: ۸۴؛ دخان: ۳۸-۳۹.
۱۰	قاعده‌مند بودن	یونس: ۵؛ صافات: ۱۶۴؛ احقاف: ۳.

۱. مؤلفه‌ها اجزای تشکیل‌دهنده ابعاد و مضامین یک مفهوم‌اند.

۱۱	تبیینی است (تعقلی، تدبیری و تفکری است).	نساء: ۸۲؛ انعام: ۶۹؛ یوسف: ۲؛ نحل: ۱۱؛ ص: ۲۹؛ سبأ: ۴۶؛ زمر: ۴۲.
۱۲	آیه بودن برای معلوم عالی (نشانه‌ای از قدرت وجود خداست).	بقره: ۱۱۵؛ نساء: ۸۲؛ آل عمران: ۱۹۰؛ نحل: ۱۱؛ روم: ۲۲؛ فصلت: ۵۳.
۱۳	معروف و فطری است (بدیهی است).	بقره: ۸۹؛ طه: ۵۰.
۱۴	نقش مبانی دارد بر دیگر معلوم‌ها	هود: ۱؛ شوری: ۱۷؛ طارق: ۱۱-۱۴.
۱۵	روشمند است.	حجر: ۹۹؛ طلاق: ۱۲.

ردیف	شاخص‌ها با نظر به مؤلفه معلم (یاددهنده)	مستندات
۱	منشأ و مبدأ علم و تعلیم، خداست.	رحمن: ۲-۵ بقره: ۳۱-۲۸۲ مائده: ۴-۳۱ انبیاء: ۸۰؛ سبأ: ۱۰
۲	درونی بودن هدایت و تربیت، به اعتبار یادگیرنده.	بقره: ۱۰۳-۲۴۳ حج: ۳۲؛ نحل: ۹۳؛ شمس: ۷-۸ اعراف: ۱۷۲
۳	بیرونی بودن معلم، به اعتبار ماهیت معلوم.	مائده: ۳۲ انفال: ۴۲
۴	نقش معلم (هدایتگر و احیاکننده، تعلیم و آموزش‌دهنده و ارزشیابگر، افزایش‌دهنده زمینه‌های مثبت، و کاهش‌دهنده زمینه‌های منفی یادگیری)	بقره: ۳۱-۱۱۹-۱۵۱ آل عمران: ۱۶۴؛ نساء: ۱۶۴-۱۶۵ مائده: ۳۲؛ مزمل: ۱۵؛ ابراهیم: ۵ حجر: ۹۹؛ بینه: ۱-۲؛ احزاب: ۴۵؛ ذاریات: ۵۶؛ مجادله: ۱۱
۵	صلاحیت‌های معلم (اخلاق و الگو بودن - کمال عقلانی - سلامت فطری - صداقت - امانت‌داری - دلسوزی - ایمان به تمام آیات الهی)	آل عمران: ۷-۵۰؛ انعام: ۸۵-۸۶؛ اعراف: ۱۰۵؛ توبه: ۱۲۸؛ انبیاء: ۲۵ و ۷۲-۷۳؛ فاطر: ۲۸؛ قلم: ۴

ردیف	شاخص‌ها با نظر به مؤلفه عالِم (یادگیرنده)	مستندات
۱	ارادی و اختیاری است.	بقره: ۲۵۶ نساء: ۸۲ یوسف: ۱۰۶ جاثیه: ۶
۲	همراه با زمینه‌های مثبت و منفی است.	بقره: ۱۵۴-۲۵۷-۲۸۲ آل عمران: ۱۶۹ انعام: ۱۳۵ اعراف: ۹ یونس: ۲۷ انفال: ۲۹ ابراهیم: ۱ زمر: ۶
۳	درونی و قلبی است.	انعام: ۲۵-۲۶ حج: ۴۶ ق: ۳۷
۴	شهودی است.	آل عمران: ۱۸ نساء: ۱۳۵ مائده: ۸-۸۳ غافر: ۳
۵	مسئولیت‌محور است.	بقره: ۳۰ انعام: ۶۸ فصلت: ۳۰ احقاف: ۱۳
۶	پیششی است.	آل عمران: ۱۳ اعراف: ۲۰۳
۷	گرایشی و ایمانی است.	بقره: ۱۰۳ اعراف: ۹۶-۱۲۵ نحل: ۱۰۲ روم: ۲۱ جن: ۲
۸	کنشی و رفتاری است.	بقره: ۱۰۳ هود: ۷ سباء: ۴۶ فصلت: ۳۳ ملک: ۲
۹	هوشمند است.	بقره: ۲ اسراء: ۸۲ مؤمنون: ۱
۱۰	خردورزی (تولید دانش)	انعام: ۱۱۶ اعراف: ۱۷۹ اسراء: ۳۶ ص: ۲۹ مجادله: ۱۱
۱۱	عبادی بودن	فاطر: ۲۸ حجر: ۹۹
۱۲	رشددهنده است.	اعراف: ۱۲۵ جن: ۲ مجادله: ۱۱

ردیف	شاخص‌ها با نظر به مؤلفه علم	مستندات
------	-----------------------------	---------

انعام: ۵۹ توبه: ۴۱ انفال: ۳۴-۶۰ اسراء: ۸۹ حشر: ۲۱ نحل: ۸۹ روم: ۵۸ زمر: ۲۷	دارای جامعیت است.	۱
نحل: ۹۰ حجر: ۸۷ عنکبوت: ۵۰	متناسب با نیاز پایدار و زندگی انسانی است.	۲
بقره: ۱۶۵ روم: ۳۰ فاطر: ۱۰ نجم: ۴۲	پویاست.	۳
یونس: ۵۸-۵۹ نحل: ۳۰ اسراء: ۹	نتیجه‌بخش است.	۴
اعراف: ۱۲۵ جن: ۲	رشددهنده است	۵
توبه: ۱۲۴-۱۲۵ نحل: ۱۰۱-۱۰۲	ایمان‌بخش است.	۶
بقره: ۲۵۵ آل عمران: ۲ اعراف: ۳۲ انفال: ۲۴ نمل: ۸۰ روم: ۵۲	حیات‌بخش است.	۷
بقره: ۲۲۱-۲۴۲ نساء: ۸۳ اعراف: ۱۶۹ یوسف: ۲-۱۰۹ ص: ۲۹	تدبیر و تعقل‌آفرین است.	۸
رعد: ۲۸	اطمینان‌بخش است.	۹
مائده: ۱۶ نحل: ۶۹	سلامت‌بخش است.	۱۰
آل عمران: ۱۸ نساء: ۱۳۵	شهودآفرین است.	۱۱
یس: ۵-۶ عنکبوت: ۴۵	غفلت‌زاست.	۱۲
یونس: ۱۰۰ فصلت: ۳۷	جهل‌ستیز است.	۱۳
انشراح: ۱ زمر: ۲۲ اعراف: ۲	موجب شرح صدر می‌شود.	۱۴
مائده: ۸۳	موجب خشوع می‌شود.	۱۵
رعد: ۲۹ قصص: ۸۵ لقمان: ۲-۵	موجب فلاح و رستگاری می‌شود.	۱۶
انعام: ۸۱	رفع‌کننده حزن و اندوه است.	۱۷
بقره: ۱۶۵ روم: ۲۱	موجب محبت و عشق می‌شود.	۱۸
احقاف: ۳۰	هدایتگر به سوی حق است.	۱۹

۲۰	هدایت‌گر به سوی عمل احسن است	بقره: ۱۸۵: کهف: ۷-۳۱: نحل: ۶۴: احقاف: ۳۰ رحمن: ۱-۴
۲۱	موجب عزم در تصمیم و عمل است.	بقره: ۱۰۴: آل عمران: ۱۶۹
۲۲	پاسخ‌گوست.	بقره: ۳۰: احزاب: ۷۲: زخرف: ۴۴
۲۳	روشنگر پنهان‌هاست.	انعام: ۹۱: اعراف: ۲۰۳: نمل: ۱-۳: شوری: ۵۲
۲۴	تبادل‌بخش است.	مائده: ۸: انعام: ۱۱۵
۲۵	آزمون‌گراست.	یوسف: ۱۰۹: هود: ۷: فرقان: ۲۵: شوری: ۱۷: ملک: ۲

پاسخ پرسش‌های معرفت‌شناسی مبتنی بر داده‌های قرآن‌پژوهی

در پاسخ به پرسش اول (مفهوم معرفت‌شناسی در آموزه‌های قرآن کریم)، می‌توان گفت که مفهوم معرفت‌شناسی عبارتست از جریان مستمر جستجوی حقیقت در ابعاد گرایش، بینش و رفتار است. لکن براساس مراتب و جلوه‌های آن (شهود، تعقل، تفکر و...) مفاهیم آن متعدد است. براساس شواهد آیات قرآن کریم، برای اطمینان حاصل کردن از شناخت، شناخت (معرفت‌شناسی) بایستی به قلب رجوع نمود، لذا قلب را مرکز و معیار تمام شناخت‌ها معرفی کرده است؛ به عبارت دیگر مفهوم معرفت‌شناسی و حیانی ناظر به معرفت و ایمان به وجود و حاکمیت خدا بر جهان هستی است. بنابراین، واژگان مرتبط با موضوع معرفت‌شناسی در قرآن کریم، در واقع همانند ظروفی‌اند که مفهوم و معنای معرفت‌شناسی در آنها جلوه یافته است؛ برخی به عنوان صفات و ویژگی‌ها، برخی به عنوان ابزارها و روش‌های معرفت، برخی به عنوان کارکرد و نتایج معرفت، برخی به عنوان مبانی و اصول معرفت، و سرانجام کارکردها و زمینه‌های معرفت را به خود اختصاص داده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم (عوامل و ابزارهای کسب معرفت) می‌توان گفت که بر اساس گزاره‌های قرآن کریم، ابزارهای کسب معرفت، متعدد و مبتنی بر هم‌افزایی است؛ از جمله آنها، دل و شهود قلبی، فطرت و الهام درونی، عقل، و حواس بینایی و شنوایی است؛ لکن سیستم کارکرد آنها، بر محور سلامت و کارکرد دل و شهود قلبی است. از سوی دیگر، تحت عواملی همچون ایمان تقوا، عمل

صالح و صبر، قابلیت آنها توسعه می‌یابد و هم‌افزایی ابزارها نیز صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تبدیل داده‌ها به معرفت و فهم، در قلب صورت می‌گیرد؛ با این توضیح که صورت و صدابرداری، در یک مسیر رفت (به سوی قلب) و برگشت (به سوی چشم و گوش)، تبدیل به ادراک می‌گردد.

در پاسخ به پرسش سوم (موانع و زمینه‌های کسب معرفت)، می‌توان بیان نمود که در قرآن کریم معرفت‌شناسی معلوم (حق)، همواره با دو مانع بیرونی (دسیسه‌های شیطانی که همان مشتبه‌سازی باطل به عنوان حق است) و موانع درونی (ظن و گمان و هواپرستی) روبه‌روست؛ و راه علاج آن را در مانع اول، تمسک به قرآن و اهل‌بیت (معصومین)، و در مانع دوم، تخلُّق به زمینه‌های ایمانی و تقوایی (جهاد و عمل صالح و...) معرفی می‌نماید که این نکات را افزون بر آیات یاد شده، در آیاتی که واژه‌های پایانی آنها به *لعلَّهم و لعلَّکم* ختم می‌شود، می‌توان به‌روشنی دریافت نمود.

در پاسخ به پرسش چهارم (مراتب معرفت)، بیان می‌شود که از نظر قرآن کریم، هستی مبتنی بر حقیقت وجودی، واحد است؛ لکن دارای جلوه‌ها و ماهیت متعدد است که از آن به عالم شهادت و غیب یا دنیا و آخرت یاد شده است؛ بنابراین، معرفت‌شناسی حقیقت وجود، به وسیله یقین از طریق وحی است؛ از یک سو به علت فاصله (حجاب) مُدرک با مُدرک (وجود) مراتب‌پذیر است؛ لکن معرفت‌شناسی ماهیت‌ها (معلوم یا موجودات) متغیر، و مراتب‌پذیری آن به اعتبار ماهیت موجودات است؛ و از سوی دیگر، به علت نوع روش پژوهش و مطالعه هستی (از طریق مستقیم یعنی شهود، و غیرمستقیم یعنی از معلول و آیات به علت و معلوم رسیدن) نیز، هویت مراتبی می‌یابد. از این رو، در قرآن کریم مراتب معرفت‌شناسی به دانش یقینی، دانش تعقلی و دانش تجربی قابل تصور است و هر یک از آنها خود به مراتب فرعی منقسم و معرفی شده است.

در پاسخ به پرسش پنجم (منشاء و مبادی معرفت)، باید بیان نمود که بر اساس شواهد آیات قرآن کریم، منشأ معرفت همانند منشأ وجود، از جانب خداوند متعال است؛ و مبادی آن، از درون (شناسایی نفس) و بدیهیات، یعنی درک و اعتراف به وجود خود آغاز می‌شود و تا جزئیات روابط بین پدیده‌ها و نهایتاً شهود مبدأ و معاد مخلوقات ادامه می‌یابد. همچنین قرآن کریم قلب را به عنوان مرکز و مدیریت تمام معارف، به‌ویژه معرفت حقیقی و عالی، معرفی کرده است.

در پاسخ به پرسش ششم (ملاک‌های درستی یا صدق معرفت)، چنین استنتاج می‌گردد که بر اساس شواهد آیات قرآن کریم، معیار و ملاک‌های درستی معرفت، به حسب موضوع و ظرفیت معلوم (حصولی و حضوری بودن) متعدد است؛ لکن در طول و مؤید یکدیگرند؛ و آنها عبارت‌اند از:

۱. صدق و راستی سخنان خداوند (وحی)؛ ۲. واقع‌گرایی و بدیهیات؛ ۳. تأیید عقل؛ ۴. تأیید قلب سلیم و فطرت پاک.

در پاسخ به پرسش هفتم (روش‌ها و راه‌های کسب معرفت)، می‌توان بیان نمود که بر اساس شواهد آیات قرآن کریم، روش‌های متعددی برای بهره‌برداری از معارف و حیانی در حوزه‌های تشریح (قرآن و متون دینی) و تکوین (خلقت و نظام طبیعت) معرفی گردیده و همچنین به کارایی و اعتبار آنها در حوزه و مرتبه خاصی صحنه گذاشته شده است؛ اما قرآن کریم، محور و اساس شناسایی واقعیت‌های پایدار است.

در پاسخ به پرسش هشتم (اهداف معرفت‌شناسی)، چنین استنتاج می‌گردد که بر اساس شواهد آیات قرآن کریم، هدف اصلی معرفت‌شناسی، هدایت (بازگشت به سلامت) انسان به سوی خدا (همان فطرت الهی)، لکن مبتنی بر اختیار و آزادی است؛ لذا این هدف عالی میسر نمی‌گردد، جز از طریق اهداف مقدماتی دیگر، نظیر معرفت‌شناسی پایدار، خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی (خودشناسی)، وظیفه‌شناسی و موانع‌شناسی.

در پاسخ به پرسش نهم (آیا داده‌های قرآن پژوهی این مقاله معتبر است)، باید بیان نمود که کلیه داده‌ها با تفسیر موضوعی علامه جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۶) در حوزه معرفت‌شناسی تطبیق گردید و اعتبار آنها تأیید شد.

در پاسخ به پرسش دهم (از معرفت‌شناسی آموزه‌های قرآن کریم چه راهبردهایی می‌توان برای برنامه‌دستی تربیت سیاسی ارائه نمود)، بر اساس یافته‌های پژوهش، راهبردهایی^۱ در زمینه تربیت سیاسی، شامل روش‌های یاددهی و یادگیری، وظایف و نقش معلمان، یادگیرنده و اهداف، در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. دلالت‌های راهبردی برنامه‌دستی و تربیت سیاسی بر اساس یافته‌های پژوهش

زمینه	دلالت‌های راهبردی (گزاره‌های تجویزی)	مستندات (گزاره‌های توصیفی)
-------	--------------------------------------	-------------------------------

۱. مقصود از «راهبرد»، گزاره‌های تجویزی با درجه کلیت است.

<p>۱. شاخص معلوم شماره ۲</p> <p>۲. شاخص معلوم شماره ۲ و ۷</p> <p>۳. شاخص معلوم شماره های ۳ و ۸</p> <p>۴. شاخص معلوم شماره های ۴ و ۵ و ۶</p> <p>۵. شاخص معلوم شماره های ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۵</p> <p>۶. شاخص معلوم شماره های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳</p> <p>۷. شاخص معلوم شماره های ۷ و ۱۲</p> <p>۸. شاخص یادگیرنده شماره های ۶ و ۷ و ۸ و ۹</p> <p>۹. شاخص یادگیرنده شماره های ۲ و ۶ و ۷</p> <p>۱۰. شاخص معلوم شماره ۲ و پاسخ پرسش دوم پژوهش پاسخ پرسش دهم پژوهش</p>	<p>۱. یاددهی و یادگیری تربیت سیاسی، باید پیوسته باشد؛ یعنی از کلاس درس به زندگی، و از بینش به رفتار یادگیرنده توسعه یابد.</p> <p>۲. از آنجا که حقیقت معلوم، واحد است و ماهیت آنها متعدد، لذا معرفت، یاددهی و یادگیری. در موضوع تربیت سیاسی، باید در طول هم به مقصد تبیین حقیقت جریان داشته باشد و هم افزا شوند.</p> <p>۳. تربیت سیاسی نباید هیچ‌گاه متوقف شود؛ چون موضوع سیاسی (معلوم یا پدیده سیاسی) پویا و در حال توسعه است.</p> <p>۴. موضوع و محتوای تربیت سیاسی باید مبتنی بر واقعیت‌های پایدار، حق و یقین باشد.</p> <p>۵. یاددهی و یادگیری موضوع (معلوم) هوشمند، قاعده‌مند، روشمند و هدفمند، باید از روش‌های متناسب برخوردار شود.</p> <p>۶. در تربیت سیاسی عمیق و حقیقی باید از همه ظرفیت‌ها و روش‌های تعقل، تفکر، تدبر، شهود و فطرت پاک استفاده شود.</p> <p>۷. در تربیت سیاسی اسلامی، باید یادگیرنده بتواند به درک مبدأ و معاد هر معلوم (مشاهده حاکمیت توحید بر نظام داخلی و بیرونی پدیده‌ها) نایل آید.</p> <p>۸. در تربیت سیاسی جامع، باید همه ابعاد وجودی یادگیرنده (گرایش و خواست، بینش و ذهن، کنش و رفتار) را دربرگیرد.</p> <p>۹. از آنجا که معلوم (پدیده‌شناسی سیاسی)، از ماهیت چندبعدی (فطری، ذهنی و عینی) برخوردار است، لذا برای شناسایی آن باید همه ابزارهای شناخت (قلب، عقل، تجربه و حس) به صورت هم‌افزا تحت عامل مجتمع‌ساز به نام «قلب سلیم»، فعال و مدیریت شوند.</p> <p>۱۰. انتخاب موضوعات و محتوای یاددهی و یادگیری تربیت سیاسی، باید دارای حجت و دلیل باشد؛ از این رو برای دلیل و تأیید باید با یکی از مبانی زیر منطبق شود: حق (واقعیات پایدار)؛ فطرت (خواست و نیاز پایدار)؛ تعقل (توان و استعداد ادراکی)؛ هدایت (تربیت برای عمل احسن)؛ رحمت الهی (قرآن)</p>	<p>روش‌های یاددهی و یادگیری تربیت سیاسی (معلوم)</p>
--	---	---

<p>۱. شاخص معلم شماره ۱ و ۲ ۲. شاخص معلم شماره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و پاسخ پرسش پنجم پژوهش ۳. شاخص معلم شماره های ۲ و ۳ ۴. شاخص معلم شماره ۵</p>	<p>۱. یادگیری حقیقی و عمیق، باید از درون یادگیرنده بجوشد؛ یعنی مبتنی بر اراده، اختیار و خواست درونی باشد. ۲. یاددهنده‌های بیرونی (مربی تربیت سیاسی)، اعتباری‌اند و نقش کمک‌کننده دارند؛ از این رو، فاعل اصلی و حقیقی تعلیم، خداست؛ لذا معلمان بیرونی باید به این نکته توجه نمایند و یادگیرنده خود را بدان توجه دهند. ۳. نقش‌های مربی تربیت سیاسی، به جای تعلیم و انتقال محتوا، باید به سوی هدایتگری (مدیریتی)، کاهش دهنده زمینه‌های منفی، و افزایش دهنده زمینه‌های مثبت یادگیری و ارزشیابی آن تغییر کند. ۴. رفتارهای مربی تربیت سیاسی می‌تواند نقش بازدارندگی یاددهی و یادگیری عمیق و رفتاری نسبت به یادگیرنده داشته باشد. در نتیجه، باید از صلاحیت‌های اخلاقی، امانت‌داری، ایمان و... متناسب با هدف آموزش را داشته باشد.</p>	<p>یاددهنده (مربی تربیت سیاسی)</p>
<p>۱. شاخص یادگیرنده شماره ۱ ۲. شاخص یادگیرنده شماره ۲ ۳. شاخص یادگیرنده شماره ۵ ۴. شاخص یادگیرنده شماره های ۶ و ۷ و ۸</p>	<p>۱. در یادگیری عمیق و پویا، یادگیرنده باید از اراده و اختیار آزاد برخوردار باشد. ۲. یادگیرنده برای یادگیری پیشرفته، باید زمینه‌های منفی را در خود تعدیل کند و زمینه‌های مثبت را افزایش دهد. ۳. یادگیرنده در برابر معرفت‌های به‌دست آورده باید پاسخ‌گو باشد؛ از لحاظ دلایل و عمل به آن ۴. یادگیرنده برای یادگیری جامع باید تمام ابعاد وجودی خود را (شامل خواست و گرایش، بینش و ذهن، کنش و رفتار) فعال سازد و در اختیار فهم جامع قرار دهد.</p>	<p>یادگیرنده مباحث سیاسی (عالم)</p>

<p>۱. شاخص علم شماره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵</p> <p>۲. شاخص علم شماره های ۸ و ۱۱</p> <p>۳. شاخص علم شماره های ۲۰ و ۲۱</p> <p>۴. شاخص علم شماره ۲۵</p> <p>۵. شاخص علم شماره های ۱۴ و ۱۵ و ۱۸</p> <p>۶. شاخص علم شماره های ۱۲ و ۱۳</p> <p>۷. پاسخ پرسش هشتم پژوهش</p>	<p>۱. اهداف تربیت سیاسی (برنامه‌درسی) باید از جامعیت (هماهنگ با نیاز پایدار و زندگی فردی و اجتماعی، نتیجه‌بخش و رشد‌دهنده) برخوردار باشد.</p> <p>۲. برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید به فعال شدن تفکر، تعقل، تدبیر و شهود یادگیرنده بینجامد.</p> <p>۳. تربیت سیاسی باید هدایت‌کننده به سوی عزم و توانایی عمل احسن در یادگیرنده گردد.</p> <p>۴. تربیت سیاسی باید توانایی آزمون و ارزشیابی را به یادگیرنده بدهد.</p> <p>۵. تربیت سیاسی باید افزایش‌دهنده خشوع و شرح صدر و مهارت مربوط به آن در یادگیرنده گردد.</p> <p>۶. تربیت سیاسی باید موجب غفلت‌زدایی و جهل‌ستیزی در یادگیرنده گردد.</p> <p>۷. هدف اصلی تربیت سیاسی باید هدایت و مدیریت بر خود باشد؛ و دیگر اهداف، فرعی و در طول (مؤید) آن باشد.</p>	<p>اهداف مباحث سیاسی (علم)</p>
---	--	--------------------------------

نتیجه‌گیری

در پرتو یافته‌های پژوهش و نتایج حاصله از جدول‌های شماره ۲ و ۳ برای دانش برنامه‌درسی نشان می‌دهد که:

امروزه نیاز ما، نگاه به طرف یگانگی همه چیز یا نگاه توحیدی است؛ زیرا، نه ما علم لدنی داریم و نه دانش حقیقی به‌خودی‌خود حقیقت خود را اثبات می‌کند. بنابراین، تنها با استفاده از روش‌ها و داده‌های وحیانی می‌توان به اعتبار و درستی و حقیقی بودن دانشی که به ما عرضه می‌شود یا ما به عنوان مربی به مترّبان عرضه می‌کنیم، پی برد؛ و این نکته‌ای بسیار مهم در فرایند یاددهی-یادگیری است، که اغلب چندان به آن توجه نمی‌شود؛ که آنچه یاد می‌دهیم، چه اندازه روشن، قابل درک و مستدل است تا بتواند به باور درونی ما تبدیل شود. بنابراین، دقت در ماهیت پرسش‌های معرفت‌شناسی نشان می‌دهد که هر پاسخ معقول و منطقی‌ای به آنها داده شود، ارتباط تنگاتنگی با تعلیم و تربیت

خواهد داشت؛ زیرا اگر به ساختار دانش بشری و طبقه‌بندی آن، از منظر فرارشته‌ای بنگریم، علوم و معارف به انواع مختلف تقسیم نمی‌شوند؛ بلکه به سطوح مختلف واقعیت مرتبه‌مند می‌شوند که در بالاترین سطح آن، کل هستی با همه موجودات آن مطرح است و در پایین‌ترین سطح آن، موجودیت یا ویژگی‌های هر واقعیتی قرار دارد؛ و از نظر شناختی، همه آنها واقعیتی نشانگر دارند که حاکی از مخلوق بودنشان است و این نوع شناخت، در معرفت‌شناسی دینی یافت می‌شود که مورد شناسایی معرفت‌شناسی نیز واقع شده‌اند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۱-۶۴).

بنابراین، برای ارتقای علوم سیاسی، به‌ویژه دانش برنامه‌درسی آن به منظور تحقق تربیت سیاسی متناسب با مطالبات انقلاب اسلامی و رهبری آن، همچنین انتظارات اندیشمندان اسلامی، می‌توان بیان نمود که معلوم‌ها (پدیده‌های انسانی یا موضوعات علوم سیاسی) مبتنی بر حقیقت وجودی، واحد است؛ لکن، دارای جلوه‌ها و ماهیت متعدد است. به عبارت دیگر، در معرفت‌شناسی قرآنی، ماهیت‌ها مرتبه‌پذیر و مقید به زمان و مکان (شرایط) می‌گردند و برای حقیقت‌یابی در موقعیت‌ها باید مبتنی بر مبانی و حیانی (حقایق پایدار)، شرایط را تبیین و تفسیر نمود. بنابراین، تصمیمات اساسی در برنامه‌درسی تربیت سیاسی، مانند انتخاب اهداف، روش‌های یاددهی و یادگیری و ارزشیابی، باید حجت و دلایل خود را از مبانی زیر برگرفت: حق (واقعیات پایدار)؛ فطرت (خواست و نیاز پایدار)؛ تعقل (توان و استعداد ادراکی)؛ هدایت (تربیت برای عمل احسن)؛ رحمت (لطف و دل‌سوزی راهنما یا معلم حقیقی). بدیهی است که چنین فرایند معرفتی، بر نحوه‌گردآوری داده‌ها، داوری و روش رسیدن به نتایج، تاثیرگذار است و تربیت سیاسی را در کارآمدی جامع (دنیا و آخرت) ارتقا می‌بخشد.

- در خصوص ارتقای علوم انسانی، به‌ویژه دانش برنامه‌درسی تعلیم و تربیت سیاسی، می‌توان بیان نمود که معلوم‌ها (جهان هستی یا موضوعات علوم) مبتنی بر حقیقت وجودی، واحد است؛ لکن جلوه‌ها و ماهیت متعدد دارد؛ بنابراین، همه علوم در معرفت‌شناسی حقیقت (وجود)، متحدند و با پیروی از معرفت و حیانی، رویکرد فرارشته‌ای می‌یابند؛ اما در معرفت‌شناسی ماهیت‌ها، مرتبه‌پذیر و مقید به زمان و مکان (شرایط) می‌گردند و برای حقیقت‌یابی در موقعیت‌ها، باید مبتنی بر مبانی و حیانی (حقایق پایدار) شرایط را تبیین و تفسیر نمود. بنابراین، تصمیمات اساسی در برنامه‌درسی، مانند انتخاب اهداف، روش‌های یاددهی و یادگیری و ارزشیابی، باید حجت و دلایل خود را از مبانی زیر اخذ کنند: حق (واقعیات پایدار) فطرت (خواست و نیاز پایدار)؛ تعقل (توان و استعداد ادراکی)؛ هدایت (تربیت برای عمل احسن) رحمت (لطف و دل‌سوزی راهنما - معلم حقیقی)

- در خصوص یادگیرنده علوم سیاسی، بر اساس معرفت‌شناسی و حیانی، یاددهی و یادگیری باید مبتنی بر فطرت، توان، اراده و اختیار آزاد (ایمان و عمل صالح) یادگیرنده صورت گیرد؛ لکن احترام به آزادی و اختیار یادگیرنده، اندیشیدن به جای حفظ اندیشه‌های دیگران، جلوگیری از تعصب و دعوت به گفت‌وگو، جز از راه دستیابی به یقین فکری و آرامش روانی میسر نمی‌شود؛ از این رو تبیین دقیق فطرت (خواست حقیقی و پایدار انسان) و تحلیل آن، می‌تواند در تولید گزاره‌های تجویزی حوزه معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی کمک کند.

- در خصوص یاددهنده علوم سیاسی، یاددهی مؤثر را باید در منظومه وجودی یادگیرنده و بر حسب تهذیب و ایمان، تلاش و عمل وی مورد توجه قرار داد؛ از سوی دیگر، مراتب و میزان پیچیدگی معلوم (موضوع یادگیری) باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، یاددهی در این مبانی، افزون بر مهارت‌های لازم (اشراف بر مبانی و دانش مربوطه)، نیاز به صلاحیت‌های اخلاقی و مدیریتی دارد.

- در خصوص روش‌های یاددهی و یادگیری علوم سیاسی؛ قرآن کریم به یادگیری بسنده نمی‌کند؛ بلکه پس از یادگیری، ایمان و باور و سپس عمل به آنچه دانسته است را حاصل معرفت‌شناسی کامل و صحیح معرفی می‌نماید؛ از این رو یادگیرنده باید به نقش و محتوا تسلط پیدا کند و به مهارت‌های زندگی او افزوده شود. بنابراین، یاددهی در این مبانی، امری تحکمی و تحمیلی نخواهد بود، افزون بر اینکه یادگیری، تولید مجدد است، نه مصرف و تکرار دوباره. به عبارت روشن‌تر، ویژگی یاددهی و یادگیری در مبانی معرفت‌شناسی و حیانی، غیرالقایی، پویا، فعال، محققانه، مؤمنانه، ادراکی، عملی، ابداعی، خودبرانگیخته، انعطاف و هدایت‌پذیر، مسئولانه، و حقیقت‌بینانه است. بنابراین، رویکرد جامع و سیستمی قرآن به انسان، اصالت روح و ابعاد معنوی، جاودانگی انسان، و حاکمیت شاخص‌های اخلاقی در کنش، گرایش و منش است. از این رو، روش معرفت‌شناسی در آموزه‌های قرآن کریم، چهره‌ای متفاوت از دیگر مکتب‌های علمی به خود می‌گیرد.

کتابنامه

- قرآن مجید (۱۳۷۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
 ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۶). «انتظارت بجا و نابجا از فلسفه تربیت»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۲۰، ص ۴۱-۶۴.

باقری، خسرو (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

بهشتی، سعید (۱۳۸۵). «مبانی معرفت‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر حکمت متعالیه صدرایی»، فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۳، بهار، ص ۱۰۱-۱۲۰.

بهشتی، سعید و مسعودیان، پریسا (۱۳۹۱). بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲۰، دوره جدید، ش ۱۷، زمستان ۱۳۹۱، ص ۷-۲۵.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹/۶/۱۴). در دیدار با اساتید دانشگاهها- موضوع اسلامی شنن دانشگاهها.

_____ (۱۳۸۸/۷/۲۸). در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه- موضوع فعالیتهای قرآنی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ معرفت‌شناسی در قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۳۹۰). فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۳). اصول و مبانی آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی.

صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی و نقد فلسفی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فلسفه تربیت اسلامی و دلالت‌های آن»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، س ۵، ش ۱۸، پاییز، ص ۱۶۵-۱۸۸.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۲). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۹.

عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۷۶). اصول و مفاهیم اساسی در برنامه‌ریزی درسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

فیض، علیرضا (۱۳۷۳). مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

قراملکی، محمد (۱۳۸۹). تفکر سیاسی، تهران، کانون اندیشه جوان.

معاونت مطالعات و تحقیقات وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۷). گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش: فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران

ملکی، حسن (۱۳۸۹). «نقد و ارزیابی مبانی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخصهای فطرت»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، س ۵، ش ۱۸، پاییز، ص ۳۲-۶۱.

_____ (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل، تهران، انتشارات مدرسه.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۲). برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران، انتشارات سمت.

_____ (۱۳۸۹). «نقدی و نظری بر نگاه سوم سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی

ایران»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، س ۵، ش ۱۸، پاییز، ص ۸-۳۱.

موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۵). «تربیت سیاسی در پرتو انتظار با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم»، همایش بین المللی دکترین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن.

موسی‌پور، نعمت‌الله و سیدحسین صابری (۱۳۸۹). «ارزشیابی استلزامات و اقتضائات اجرایی برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی، س ۵، ش ۱۸، فصل پاییز و بهار، ص ۶۲-۸۸.

الیاس، جان (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

Michael Stephen Schiro (2008) *Curriculum Theory* [Nature of the American school curriculum].